

مطالعه تطبیقی رویکرد متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی

زهرا حیدری* / ناهید حیدری** / محمدرحیم عیوضی***

چکیده

انقلاب وسیع‌ترین و سریع‌ترین دگرگونی در یک جامعه است که هم حاصل دگرگونی و هم عاملی برای دگرگونی‌های بعدی است. مقاله حاضر با روش تطبیقی و ابزار کتابخانه‌ای؛ با هدف مطالعه تطبیقی رویکرد متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی انجام شده است؛ به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که رویکرد متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در اندیشه متفکران اهل سنت اولویت با حفظ وضع موجود، نظام خلافت، آموزه‌های خلفای راشدین، انجام اصلاحات به جای انقلاب است؛ نیز از نظر متفکران شیعه اولویت با فقه شیعه، آموزه‌های محرک بخش اسلام، مکتب امام حسین علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله، ظلم‌ستیزی و معنویت‌خواهی، وقوع انقلاب به جای اصلاح است؛ مقوله انقلاب اسلامی به‌عنوان یک مقوله مثبت و یک ضرورت در رویکرد متفکران مسلمان شیعه و سنی است؛ که ادامه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروزی مکتب حق بر باطل است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، متفکران اسلامی، شیعه، سنی، رویکرد.

*. دانش‌آموخته دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران (نویسنده مسئول).
haydari70@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان.
nahidheydari20@yahoo.com

*** استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران.
ra.eivazi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، به‌عنوان نقطه شروع خیزش بیداری اسلامی، آغاز دوره جدیدی از ظهور اسلام با رویکرد سیاسی را برای جهان اسلام نوید داده است. با وجود این اکثر نظریه‌پردازان انقلاب در جهان، انقلاب را پدیده‌ای زودگذر در جوامع بشری می‌دانند که با هدف سرنگونی یک نظام سیاسی و برپایی نظام سیاسی دیگری شکل می‌گیرد؛ در واقع معتقدند که با استقرار نظام سیاسی جدید، مأموریت انقلاب به پایان می‌رسد، انقلاب تبدیل به نظام می‌گردد. (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۰)

بنابراین ضرورت و اهمیت بحث روشن است که اگر بخواهیم در آینده و در جهت تحقق آرمان‌های بیانیه گام دوم انقلاب حرکت کنیم؛ باید قبل از هرچیز، نوع نگاه و تعاریف اندیشمندان مختلف شیعه و سنی را درباره پدیده انقلاب اسلامی به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران بشناسیم که آیا اندیشمندان شیعه در رابطه با مفهوم انقلاب اسلامی به لحاظ شروع، فرایند، پیامدها و غیره اجماع نظر دارند؛ در مقایسه با آنها اندیشمندان اهل سنت نیز چه نوع نگاهی به پدیده انقلاب اسلامی دارند. از طرفی در کنار دیدگاه نظریه‌پرداز بزرگی چون حضرت امام خمینی علیه السلام که بنیان‌گذار و رهبر انقلاب بوده اند؛ سایر اندیشمندان در این پژوهش آورده شده تا مشخص شود که سایر متفکرانی که در جایگاه رهبری انقلاب نبوده‌اند، نیز نسبت به وقوع انقلاب اسلامی در جهان اسلام رویکرد مثبتی دارند.

پژوهش حاضر دارای یک سؤال اصلی و پنج سؤال فرعی است؛ سؤال اصلی پژوهش این است که رویکرد متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی چیست؟ سؤالات فرعی: اندیشمندان مسلمان شیعه و سنی چه تعریفی از مقوله انقلاب اسلامی دارند؟ ماهیت، روند، روش، غایت، علل انقلاب اسلامی در نظر متفکران اسلامی شیعه و اهل سنت چیست؟ منابع انقلاب اسلامی در اندیشه متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت چیست؟ با توجه به بررسی تطبیقی چه تفاوت و تشابهات و اجماعی در رابطه با مقوله انقلاب اسلامی در میان متفکران مسلمان اهل سنت وجود دارد؟ به‌طور کلی سه لایه درونی و بیرونی و مغز (هسته انقلاب) در اندیشه متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت چگونه است؟ آنچه در این پژوهش بر اهمیت کار می‌افزاید بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان شیعه و سنی در رابطه با مبحث انقلاب اسلامی است؛ چراکه با توجه به مشکلات جهان اسلام و اختلاف‌اندازی دشمنان میان شیعه و اهل سنت و در راستای توجه به مسئله وحدت و نگاه کلان و پویا در اهمیت بیانیه گام دوم انقلاب این پژوهش با بررسی ابعاد نظری آنها، بسیاری از ابهامات را روشن می‌سازد.

تعریف مفاهیم و مبانی نظری

از آنجاکه در طرح موضوع پژوهش و سایر بخش‌های آن، اصطلاحات و واژه‌هایی به‌کار می‌رود، لازم است

این مفاهیم در ابتدای تحقیق به دقت و براساس نوع پژوهش به صورت عملی یا نظری تعریف شوند، تا از یکدیگر بازشناخته شده و پرسشگران و سایر مخاطبان با آگاهی و تسلط کامل بر جزئیات موضوع، به تحقیق بپردازند؛ بنابراین با توجه به اهمیت و ضرورت روشن شدن مفاهیم، در ذیل مفاهیم ضروری و مرتبط با موضوع پژوهش، به صورت نظری تعریف خواهد شد.

انقلاب: در قرآن کریم سوره آل عمران آیات ۱۴۴ «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» و ۱۴۷ «وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَكَبِّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» انقلاب به معنای و زیوررو شدن و دگرگونی آمده که شامل هر نوع دگرگونی مثبت یا منفی می شود؛ در لغت فارسی برای این واژه معانی «شورش»، «آشوب»، «قیام» آورده اند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱ / ۲۰۰) در زبان عربی واژه «الثورة» و در زبان انگلیسی اصطلاح «Revolution» برگرفته از واژه برساخته Revolutio به کار می رود. (Taylor, 1984: 78)

اولین کسی که با انقلاب برخوردی تاریخی داشت «توسیدید» بود. (Zagorin, 1973: 23) انقلاب از نظر واژگانی به معنای تحول و تغییر و تبدیل از نظر سیاسی به مفهوم اقدام عده‌ای باهدف براندازی و ایجاد حکومتی جدید است. انقلاب از دیدگاه اسلام نوعی جهاد داخلی است که در آن گروهی برای خدا و فی سبیل الله می‌جنگند و گروه دیگر به خاطر کفرشان؛ انقلاب‌ها را می‌توان به «انقلاب‌های سیاسی» و «انقلاب‌های اجتماعی» تقسیم نمود. (هراتی و عیوضی، ۱۳۹۴: ۹۷) بر معنای تعاریف مختلف، ویژگی انقلاب: ۱. سرعت بالا؛ ۲. خشونت؛ ۳. آگاهی؛ ۴. حضور خودجوش مردمی؛ ۵. هدف‌داری و عمل‌گرایی است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۸۱ - ۸۰؛ متقی‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۷)

انقلاب اسلامی: عبارت از دگرگونی بنیادین در نظام سیاسی جامعه و ساختار کلی آن بر مبنای موازین و ارزش‌های اسلامی، جهان‌بینی دینی و نظام امامت، براساس ایمان و آگاهی مردم و حرکت پیشگام صالحان و متقیان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۴۰) در این پژوهش منظور نویسنده مقاله از واژه انقلاب، انقلاب اسلامی است؛ اگر در دیدگاه برخی از متفکران در پژوهش حاضر به انقلاب اسلامی ایران اشاره شده است، فقط به عنوان مصداق انقلاب اسلامی با هدف مثال آورده شده است.

شیعه: منظور از به‌کار بردن واژه مفهومی شیعه در این مقاله، عبارت است از کسانی که جانشینی پیامبر ﷺ را حق اختصاصی خاندان رسالت می‌دانند و در أخذ معارف اسلامی پیرو مکتب اهل بیت ﷺ هستند. پس مراد نویسنده در این پژوهش از متفکرین شیعه، همان شیعیان دوازده امامی به‌عنوان بزرگ‌ترین فرقه اسلامی بعد از اهل سنت هستند که در ایران، سوریه، لبنان، ترکیه، عراق، آذربایجان، افغانستان، پاکستان،

هندوستان متمرکزند. آنها معتقد به امامت علی علیه السلام و فرزندان یازده‌گانه‌اش به نص و وصیت‌اند. سنی: تسنن عنوان بزرگ‌ترین مذهب دین اسلام است مراد نویسندگان در این پژوهش از متفکرین اهل سنت، کسانی که پیرو سنت پیامبر و فرقه‌ای از مسلمانان که معتقد به خلافت ابوبکر و جانشینان او هستند؛ دارای یکی از مذاهب فقهی چهارگانه شافعی، مالکی، حنفی و حنبلی‌اند. اختلاف میان شیعه و سنی از زمان درگذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله و اختلاف‌نظر بر سر جانشینی او آغاز شد و به تدریج منجر به اختلاف‌نظرهای دینی و سیاسی گردید.

رویکرد متفکران شیعه نسبت به مقوله انقلاب اسلامی

برای توضیح و تبیین انقلاب‌ها از چارچوب‌ها و مدل‌های نظری استفاده می‌شود. نظریه انقلاب مجموعه منسجمی از گزاره‌های علل، فرایند و روند انقلاب‌هاست. از آنجاکه مطالعه نظام‌مند انقلاب در مفهوم جدید آن در قرن نوزدهم میلادی آغاز شده است، بعد از آن برای تبیین پدیده انقلاب، نظریه‌های مختلفی به‌وجود آمده است که هر یک از دیدگاه خاص خود به این پدیده می‌نگرند. در واقع نظریه‌های انقلاب علل وقوع، پیشرفت، فرایند و پیامدهای انقلاب را توصیف و تبیین می‌کنند. (کشاورز شکری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲) در بخش اول پژوهش حاضر به بررسی اندیشه‌های متفکران مسلمان شیعه از جمله حضرت امام خمینی علیه السلام، آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله مرتضی مطهری در خصوص ماهیت، روند، روش، غایت، منابع و علل انقلاب اسلامی، پرداخته خواهد شد.

۱. امام خمینی علیه السلام

مبانی نظری انقلاب اسلامی امام خمینی علیه السلام ریشه در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی ایشان دارد، که هر دوی اینها نیز از جهان‌بینی اسلامی نشئت می‌گیرد. در اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام در قلمرو معرفت‌شناختی دو روش عقلی و نقلی مطرح است. (امام خمینی، ۲۱ / ۳۹۳) امام با روش عقلی در پی شناخت پدیده‌های اجتماعی است. ایشان در روش عقلی از قضایا و استدلال‌های عقلانی برای تبیین مسائل مختلف و به‌خصوص مسئله ولایت فقیه استفاده کرده است. ایشان در این روش به دلایل و براهین نبوت، امامت و ضرورت حکومت و رهبری در جامعه استناد داشتند. (همان، ۴ / ۱۹۰ - ۱۸۹)

اما در بحث روش نقلی، امام علیه السلام با استفاده از آیات قرآنی و روایات دلایل لزوم انقلاب سیاسی را بیان می‌نماید. ایشان به ویژگی‌هایی چون تزکیه نفس، ابزار تحرک، انسان‌سازی و غیره اشاره کرده‌اند. با استناد به آیات قرآن به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، استمرار احکام اسلامی، لزوم انقلاب سیاسی و قیام به قسط

مطالعه تطبیقی رویکرد متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی □ ۱۶۳

برای برپایی نظام و حکومت اسلامی اذعان کرده‌اند. اما در بررسی روایات، از روایات مختلفی چون روایت حضرت علی علیه السلام و روایتی از امام رضا علیه السلام و خطبه حضرت زهرا علیها السلام، به لزوم سرنگونی حکومت‌های ظالم و نجات مردم مظلوم و محروم، برقراری وحدت اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی اشاره داشته‌اند. همچنین با بیان روایات مختلفی از ائمه دلایلی نقلی را برای ولایت فقیه بیان نمودند. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۲۹ - ۲۴)

در موضوع هستی‌شناسی، یکی از مباحث هستی‌شناسی امام خمینی علیه السلام بحث جامعه و ویژگی‌های آن است. در این بحث ویژگی‌های جامعه سالم، نقش فرد در جامعه و راه‌های اصلاح جامعه مدنظر ایشان بوده است. ایشان براندازی رژیم شاه را وسیله‌ای برای ایجاد تغییرات اساسی در جامعه می‌دانستند. همچنین به تحولات اجتماعی پرداخته و درنهایت اهداف تغییرات را به دست آوردن استقلال، آزادی و رهایی از اختناق و غیره می‌دانند. (همو، ۱۳۷۸: ۱۴ / ۳۷)

امام خمینی علیه السلام برای اولین بار در کتاب ولایت فقیه از «انقلاب سیاسی» نام بردند و خواهان سرنگونی رژیم شدند. ایشان با تأکید بر نظریه مذهب، انقلاب اسلامی را ضرورتی برای سرنگونی رژیم طاغوتی می‌دانند. (همو، ۱۳۹۴: ۲۹ - ۲۴) به اعتقاد ایشان:

ماهیت انقلاب فرق دارد با دیگر انقلاب‌ها: چون در سایرین جباری می‌رود و جباری دیگر جانشین می‌شود؛ حالت ترمیدور، دلیل آن هم انگیزه انقلاب است. (همو: ۱۹ / ۲۶۹)

امام تفاوت بین انقلاب مادی و معنوی را مطرح کردند و به فراهم شدن شرایط ذهنی و عینی انقلاب اشاره دارند. انقلاب مادی به صرف فراهم بودن شرایط عینی، در اثر منازعه قدرت دولت و اپوزیسیون اتفاق می‌افتد؛ اما ماهیت انقلاب اسلامی، یک نهضت الهی بود. (همان: ۵ / ۱۷۳ و ۷ / ۱۶۹)

ایشان می‌فرمایند:

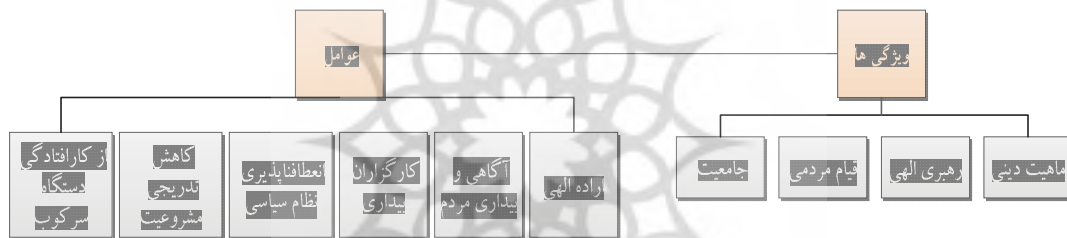
ما انقلابمان را به کل جهان صادر می‌کنیم تا شعار لا اله الا الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله بر کل دنیا طنین افکند؛ تا مبارزه در هر جای دنیا علیه مستکبرین هست ما هستیم و هدف عظیم انقلاب، ایجاد حکومت جهانی اسلام است. (همان: ۱۲ / ۱۴۸)

حضرت امام خمینی علیه السلام لازمه انقلاب را تغییر نگرش و ادراک عامه مردم نسبت به خویش و پدیده‌های بیرونی می‌دانند؛ در رابطه با نگرش رایج از روابط بین‌الملل که «طرز تلقی از واقعیت نسبت به خود واقعیت مهم‌تر است»، معتقد بودند که «علت انقلاب تصور مردم نسبت به وضعیت اجتماعی است، نه واقعیت وضعیت اجتماعی»؛ (همان: ۱۱ / ۵ - ۴) بنابراین اندیشه حضرت امام علیه السلام در مورد انقلاب اسلامی را می‌توان رهیافتی ادراکی دانست.

اندیشه حضرت امام علیه السلام در مورد وجودشناسی انقلاب اسلامی در سه بستر مرام‌شناسی، بسترشناسی، علت‌شناسی قرار می‌گیرد.

در بحث مرام‌شناسی، گام اول در مبارزه، تعیین هدف و مقصد است؛ در این مورد حضرت امام علیه السلام حاکمیت قوانین اسلامی و تحقق علمی محتوای اسلام را مورد توجه قرار داده بود. (همان: ۱۳ / ۲۴۷؛ ۸ / ۵۰)
در زمینه بسترشناسی، حضرت امام خمینی علیه السلام ضمن تحلیل زمینه‌ها و علل بروز قیام، معتقد است که آنچه باعث خدشه‌دار شدن مشروعیت رژیم شاه و سبب اصلی قیام گردید، سیاست‌های خود رژیم شاه بود. (همان: ۱۷ / ۱۹۴)

در بحث علت‌شناسی، اندیشه حضرت امام علیه السلام در رابطه با علل پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد: یکی به لحاظ خاستگاه و منابع قدرت بسیج انقلابی که در نهایت بر منابع قدرت رژیم شاه پیروز شد؛ دیگری از لحاظ جنبه ذهنی و فکری قیام که مبتنی بر ایمان به خدا و تحول روحی و ادراکی بود. (همان: ۸ / ۲۳۵؛ ۱۱ / ۱۲۸)



نمودار ش ۱. ویژگی‌ها و عوامل زمینه‌ساز انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام

(صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۰۴ - ج ۶: ۴، ۴۳۴)



نمودار ش ۲. علل وقوع انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام (کشاورز شکری و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۷)

۲. آیت‌الله خامنه‌ای

در دیدگاه مقام معظم رهبری، انقلاب یک ضرورت طبیعی و تاریخی براساس قواعد و سنت‌های الهی است؛ برای حفظ دین و احکام الهی و یک حادثه تاریخی است نه منطقی‌ای. یکی از این سنت‌های غیرقابل تغییر، «پیروزی حق بر باطل» است. (خامنه‌ای: ۱۳۸۷/۳/۱۷) ایشان می‌فرمایند:

انقلاب یک تحول اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی است؛ که به دنبال آن تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و آنگاه رشد همه‌جانبه انسان‌ها می‌آید. (همان)

ایشان در رابطه با بحث مفهومی انقلاب می‌فرمایند:

انقلاب یک موجود زنده است؛ این‌هایی که خیال می‌کنند انقلاب یک جرّقه بود، زد و تمام شد، از شناخت حقیقت انقلاب خیلی دورند. خیر، انقلاب یک حقیقت زنده است، یک موجود زنده است که تولّد دارد، رشد دارد، قوام دارد و عمر طولانی دارد در صورتی؛ بیماری دارد، مرگ دارد، نابودی دارد، انقلاب چون موجود زنده است، پس افزایش دارد، رشد دارد، قوام‌یافتگی و کمال‌یافتگی برای آن وجود دارد. ببینید، قرآن کریم در سوره الفتح آیه ۲۹ می‌فرماید: «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِيجِلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ»، یعنی مثل اصحاب پیغمبر، جامعه اسلامی، یعنی همان انقلابیون، مثل یک گیاهی است که از زمین سر می‌زند، خودش را نشان می‌دهد، بعد به تدریج رشد می‌کند. دنباله آیه می‌فرماید که «يُعِجِبُ الزُّرَّاعَ»؛ برای خود آن کسی که این گیاه را بر زمین نشانده، شگفت‌آور است، «لِيُعِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»؛ دشمن را هم به خشم می‌آورد؛ انقلاب این‌طور است؛ روزبه‌روز می‌تواند رشد و تکامل پیدا بکند. (همو: ۱۳۹۶/۱۱/۱۹)

مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی را برگرفته از الگوی بعثت پیامبر ﷺ و رسالت می‌داند. از دیدگاه رهبری صدها شرط باید باشد تا انقلاب ایجاد شود؛ ایشان می‌فرمایند ما در مرحله سوم یعنی تشکیل دولت اسلامی هستیم. (همو: ۱۳۷۹/۹/۱۲) ایشان در تعریف انقلاب می‌فرمایند:

انقلاب یعنی دگرگونی بنیادین که در اغلب موارد بدون زورآزمایی امکان‌پذیر نیست، اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً باید اغتشاش و شورش باشد؛ انقلاب جایی است که پایه‌های غلطی برچیده و پایه‌های درستی به جای آن می‌نشینند. (همو: ۱۳۸۱/۱۱/۱۵)

آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با فرجام انقلاب اسلامی نیز می‌فرمایند:

از آنجاکه طبیعت و فطرت عالم، حرکت به سوی کمال است؛ (همو: ۱۳۷۹/۸/۲۲) ما نیز

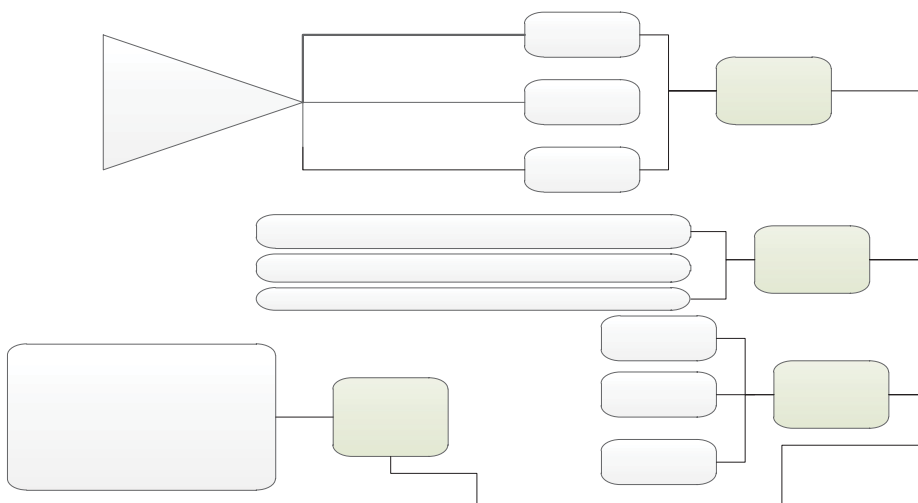
انقلابمان را منطبق بر حرکت صدر اسلام می‌دانیم و در آینده، پیروزی حق بر باطل آشکار خواهد شد. (همو: ۱۳۷۵/۹/۱۹)

ایشان آرمان انقلاب اسلامی را، تحقق حیات طیبه می‌داند و در این زمینه می‌فرماید:

کاری که انقلاب در آغاز انجام می‌دهد، ترسیم آرمان‌ها است. البته آرمان‌های عالی، تغییرناپذیرند؛ وسایل تغییرپذیر است، یعنی از اول خلقت بشر تا امروز، عدالت یک آرمان است؛ هیچ‌وقت نیست که عدالت از آرمان بودن بیفتد؛ آزادی انسان یک آرمان است، آرمان‌ها را انقلاب تصویر می‌کند، ترسیم می‌کند، بعد به سمت این آرمان‌ها حرکت می‌کند. حالا آرمان را ما اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم، «حیات طیبه» است که: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ (نحل / ۹۷) «اَسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»؛ (انفال / ۲۴) شما را زنده کند. دعوت پیغمبر و همه پیغمبران به حیات طیبه است. حیات طیبه یعنی همه این چیزهایی که بشر برای سعادت خود به آنها احتیاج دارد. مثلاً عزت ملی جزو حیات طیبه است؛ ملت ذلیل، توسری خور، حیات طیبه ندارد. استقلال، وابسته نبودن به بیگانگان و به دیگران، جزو حیات طیبه است. حیات طیبه را فقط در عبادات و در کتاب‌های دعا که نباید جستجو کرد؛ واقعیات زندگی اینها است. (همو: ۱۳۹۴/۶/۲۵) حیات طیبه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسان‌های مؤمن و خدانشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. (همو: ۱۳۷۴/۷/۲۲)

به‌علاوه ایشان تشکیل تمدن نوین اسلامی (همو: ۱۳۷۹/۷/۱۴) و زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی موعود^ع (همو: ۱۳۹۱/۱۰/۱۹) را از دیگر اهداف مهم شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌داند. مقام معظم رهبری در مورد تداوم حرکت انقلاب اسلامی می‌فرماید:

من به شما عرض می‌کنم که این حرکت عظیم انقلاب اسلامی، یک حرکت تمام‌شده نیست. حالا یک گوشه از لشکر آن من و شما هستیم که حالا یک ذره مثلاً اهل ادب و فرهنگ و اینها محسوب می‌شویم؛ «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» لشکر او زمین و آسمان نمی‌شناسد؛ «وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» (فتح / ۷) خدا عزیز است، عزیز یعنی غالب لایغلب، یعنی بی‌نیاز از همه. این حرکت عظیمی که با انقلاب اسلامی شروع شد، یک حرکت تمام‌شده نیست و ادامه دارد. (همو: ۱۳۸۸/۶/۱۴)



نمودار ش ۳. مقوله انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری



نمودار ش ۴. مراحل پنج گانه انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

۳. آیت الله مرتضی مطهری

در دیدگاه شهید مطهری انقلاب عبارت از تغییر بنیادین در جامعه؛ نوعی طغیان در برابر وضع موجود و تلاش و جهاد برای برقراری وضع مطلوب. (مطهری، ۱۳۹۵: ۵۹)
شهید مطهری در خصوص ماهیت همه انقلاب‌ها می‌فرماید:

اگر بخواهیم عوامل حرکت‌ها، جنبش‌ها و انقلاب را به‌طور کلی دسته‌بندی کنیم یا از نوع مادی است، یعنی قطبی‌شدن جامعه به دو قطب مرفه و محروم؛ آن‌وقت آرمان انقلاب‌کنندگان رسیدن به جامعه‌ای بی‌طبقه؛ اگر آن انقلاب انسانی باشد، اما اگر جنبه انتقام‌جویانه داشته باشد، فاقد آرمان است و فقط به‌دنبال تغییر وضع موجود است. عامل دیگر خصلت‌های آزادی‌خواهانه در بشر است؛ این را نمی‌شود از بشر سلب کرد. این یک ارزش فوق‌العاده در بشر است؛ که بشر یک موجود آزادی‌خواه است، یعنی برایش آزاد بودن، آقابالاسر نداشتن از هر نوع ارزش مادی برایش بالاتر است، چون یک حیوان می‌خواهد شکمش سیر باشد از هر راهی که شد، ولی یک انسان آزادگی را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌دهد. (همان: ۶۲ - ۶۱)

ایشان در بحث دیگری درباره انقلاب‌های ایدئولوژیک یا جنگ عقاید می‌فرمایند:

انقلاب‌های ایدئولوژیک و به اصطلاح جنگ عقاید در جنگ‌های مذهبی نیز وجود داشته است. قرآن کریم در سوره آل‌عمران آیه ۱۳ جنگ مسلمانان قریش را با کفار، جنگ عقیده می‌نامد، ولی جنگ کفار را جنگ عقیده نمی‌نامد؛ می‌فرماید: «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ» یعنی آیه و نشانه و درسی است گروهی که در راه خدا برای ایمان و عقیده‌شان می‌جنگند، اما دیگری را نمی‌گوید برای ایمانشان، چراکه ابوسفیان حتی به بت‌ها نیز اعتقادی نداشت که از اعتقاد خودش دفاع کند، ابوسفیان می‌دانست که اگر این نظم جدید بیاید، منافعتش در خطر است. (همان: ۶۴)

از دیدگاه شهید مطهری، اسلام جهت‌گیری نهضت‌های الهی را به‌سوی مستضعفین می‌داند، نه اینکه خاستگاه نهضت و انقلابی را هم مستضعفین بدانند. ایشان در این رابطه می‌فرمایند:

مکتب مادی می‌گوید نهضت فقط و فقط به دوش محرومان است علیه مرفه‌ها؛ به دوش محرومان و به سود محرومان. اسلام نهضت پیغمبران را به سود محرومان می‌داند نه اینکه منحصرأ به دوش محرومان بدانند. قرآن دلایل روشنی در این مطلب دارد. این تفاوت میان جهت‌گیری و خاستگاه را گاهی ملاحظه نکرده‌اند و نمی‌کنند. ریشه اساسی مطلب این است: کسانی که این‌گونه می‌گویند، انقلاب‌ها را به‌اصطلاح خصلت‌های با لذات اجتماعی می‌دانند. یعنی می‌گویند انسانی نیست و ریشه‌ای در ساختمان انسان‌ها ندارد، ریشه‌ای در تغییرات اجتماعی دارد؛ در صورتی که اسلام همیشه روی فطرت یعنی روی انسان تکیه می‌کند ولو به‌عنوان یک فرد. به همین جهت است که اسلام مخاطب خودش را منحصرأ محرومان قرار نمی‌دهد، مخاطب را همه مردم قرار می‌دهد حتی خود آن مرفه و استضعاف‌گر، چون از نظر اسلام در درون هر استضعاف‌گری، در درون

هر فرعونی از فرعون‌ها یک انسان در زنجیر نهفته است، یعنی در منطق اسلام فرعون فقط بنی‌اسرائیل را به زنجیر نکشیده، یک انسان را هم در درون خودش به زنجیر کشیده، انسانی که دارای فطرت الهی است و ارزش‌های الهی سرش می‌شود ولی در زندان این فرعون بیرونی است. و لهذا پیغمبران، اول می‌روند سراغ آن انسان به زنجیر کشیده شده در درون فرعون‌ها بلکه آن انسان را علیه فرعون حاکم برانگیزانند و بتوانند انقلاب را از درون ایجاد کنند.^۱ (همان: ۶۵ - ۶۴)

شهید مطهری چهار رکن اصلی بقاء و تداوم انقلاب اسلامی را: عدالت اجتماعی، استقلال، آزادی و معنویت می‌داند که از شرایط لازم برای انقلاب اسلامی است. راه تداوم انقلاب اسلامی در آینده حفظ استقلال مکتبی و ایدئولوژیک است. ایشان در مقابل رویکرد ساختاری، نوعی رویکرد تاریخی و ارادی بودن نسبت به انقلاب اسلامی دارند و بین اسلام انقلابی با انقلاب اسلامی تفاوت قائل‌اند و تأکید بر انقلاب اجتماعی دارند. برای انقلاب همه‌جانبه علل مادی و معنوی معتقدند. شهید مطهری دگرگونی اجتماعی را از دو حیث صورت و محتوا بررسی می‌کنند. ایشان تنها تغییری که جنبه تکاملی داشته و برخاسته از دین است را انقلاب می‌دانند و معتقد به سطوح انقلاب در دو بعد فردی و اجتماعی با جهت الهی هستند. آیت‌الله مطهری از مصادیق انقلاب اسلامی، انقلاب ایران را به صدر اسلام تشبیه کرده است. (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۷ و ۱۶۵ - ۱۴۲) به نظر ایشان انقلاب اسلامی را مجموعه تشکلهای فرهنگی و سازمانی و ریشه‌دار تاریخی و اسلامی شیعه، امام حسین علیه السلام به‌عنوان اسطوره بنیادین تشیع، شبکه مساجد، مجالس مذهبی و روحانیت ساخته‌اند. (همو، ۱۳۹۴: ۶۳) تعریف ایشان از دگرگونی اجتماعی عبارت از تکاملی که انقلاب است، یا سقوط که ارتجاع است؛ تأکید بر ارادی و تکاملی بودن انقلاب اسلامی دارد. آیت‌الله مطهری در رابطه با فرجام انقلاب، نسبت به آینده انقلاب خوش‌بین است و انقلاب ایران را الگوی سایر کشورها می‌داند. (همو، ۱۳۹۵: ۲۵)

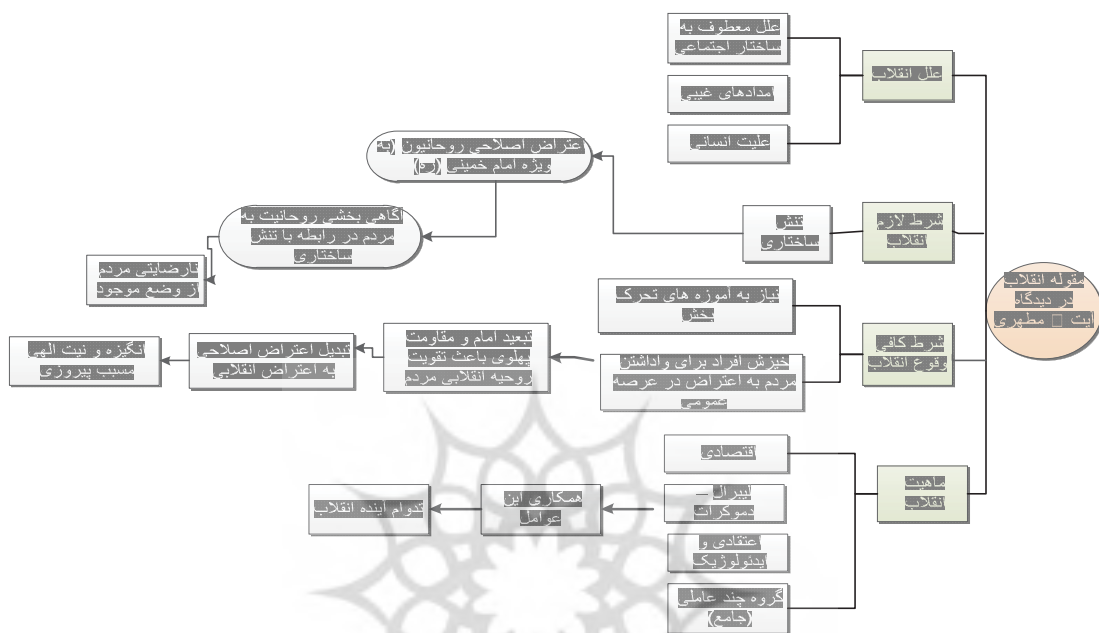
با پیروزی حق بر باطل (با تأکید بر دو بال آگاهی و اراده، آزادی بیان، مقابله با عوام‌زدگی و آزادی‌های اغفال‌کننده تبلیغاتی) تا استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های اسلامی، تشکیل مدینه فاضله، توسط مهدی موعود است. (همان: ۲۶)

ایشان در مورد حفظ استقلال مکتبی به‌عنوان لازمه تداوم پیروزی انقلاب اسلامی در آینده می‌فرمایند:

انقلاب اسلامی وقتی پیروز خواهد شد که براساس یک ایدئولوژی - که همان ایدئولوژی اسلامی است - ادامه پیدا کند. اگر این مکتب و ایدئولوژی، اسلامی محض باشد، یعنی

۱. وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ. (غافر / ۲۸)

اگر استقلال مکتبی داشته باشیم، واقعاً آنچه از اسلام خودمان است همان را بیان کنیم، اسلام التقاطی (مارکسیستی، سوسیالیستی و ...) نباشد، خجلت و شرمندگی در مقابل دیگران نداشته باشیم، ما در آینده موفق خواهیم بود. (همان: ۹۶)



نمودار ش ۵. مقوله انقلاب در دیدگاه آیت الله مطهری (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۷ و ۱۳۹۴: ۶۳)

رویکرد متفکران اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی

این بخش از پژوهش به بررسی اندیشه‌های انقلابی متفکران مسلمان اهل سنت، در زمینه ماهیت، روند، روش، غایت، منابع و علل انقلاب اسلامی از منظر ابوالاعلی مودودی، یوسف قرضاوی و راشد الغنوشی را مورد بررسی قرار خواهد داد.

۱. ابوالاعلی مودودی

سید ابوالاعلی مودودی در سال ۱۹۰۳ میلادی در جنوب هند (حیدرآباد) متولد شد. مودودی روزنامه‌نگار مسلمان، طرفدار احیای مذهبی، فیلسوف سیاسی و متفکر اسلام‌گرای قرن بیستم در پاکستان و هندوستان است. او همچنین یک شخصیت سیاسی در پاکستان و مؤسس جماعت اسلامی پاکستان بود. این حزب معتقد به لزوم بازگشت به سنت‌های اسلام اصیل بود. نظریه‌پردازی‌های وی سبب ایجاد جریان‌های رادیکال در بین جنبش‌های اسلامی معاصر شد. (قیصری و غلامی علم، ۱۳۸۹: ۱۴)

به اعتقاد مودودی تأسیس انقلاب اسلامی تنها از طریق حکومت اسلامی میسر است. اگر یک حکومت اسلامی بر مبنای یک انقلاب اسلامی بنا نشده باشد به خاطر آفات معنوی شهروندان آن محکوم به فساد است. انقلاب اسلامی مورد نظر مودودی یک انقلاب روحانی، مبتنی بر تعلیم و تربیت است، نه یک انقلاب فیزیکی و خشونت‌آمیز. از نظر ایشان موفقیت یک انقلاب اسلامی بستگی به مشروعیت آن در چشم جامعه دارد، به همین خاطر او خواهان «اسلامیزه شدن جامعه قبل از تشکیل دولت» است. (مودودی، ۱۳۵۹: ۳۱) انقلاب اسلامی باید به‌طور تدریجی، از طریق یک سرمایه بزرگ روی مسئله آموزش و آگاهی دادن به مردم صورت پذیرد. اگر حکومت اسلامی قبل از اسلامی شدن جامعه تشکیل گردد، آنگاه حکومت به ناچار به سمت استبداد فردی پیش خواهد رفت تا بتواند خواسته‌های خود را به یک جمعیت غیر آماده - که خواستار حکومت اسلامی نیست - تحمیل نماید. این مساوی با تخریب روند انتقال سیاسی - اجتماعی جامعه به سمت یک نظام اسلامی است. از این رو اراده عمومی باید خود آماده اجرای شریعت باشد و از این طریق به حاکمیت دولت اسلامی مشروعیت بخشد. (عنایت، ۱۳۹۸: ۱۸۳) مودودی در کتاب برنامه انقلاب اسلامی می‌گوید:

انقلاب فرانسه محتاج آن اساس فکری اخلاقی بود که روسو، ولتر و منتسکیو، این متفکرین فرانسوی به وجود آوردند. انقلاب کمونیستی روسیه جز براساس نظام فکری که شالوده آن را کارل مارکس ریخت و جز تحت رهبری لینین و تروتسکی و صدها مبلغ کمونیستی و ... نمی‌توانست به وجود آید، همچنین جنبش نازی آلمان در هیچ جایی نمی‌توانست به وجود آید، مگر در همان سرزمینی که متفکرینی چون هگل، نیچه، گوته و ... هم این طرز فکر را با بیان افکار خودشان ترویج دادند، سپس برای آن محیط اخلاقی، نفسانی و مدنی مخصوص به وجود آوردند؛ آبیاری آن توسط هیتلر و دیگر رهبران دیکتاتور منشانه قرار گرفت. (مودودی، ۱۳۶۲: ۲۶).

مودودی انقلاب اسلامی را نیز مشمول همین قاعده می‌داند. براساس آیه ۱۰۴ سوره آل عمران «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱ این اعتقاد به توحید و حاکمیت خداوند است که پشتیبان نهایی انقلابیون در مقابل انحرافات است. در صورت شناخت حقیقی اسلام، ثبات قدم، قدرت بالای قضاوت تصمیم‌گیری، قربانی کردن احساسات شخصی و آرزوهای نفسانی، انقلابیون قادر به تحمل تمام سختی‌ها هستند. (همان) مودودی در خصوص انقلاب اسلامی، استفاده

۱. و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگاران‌اند.

از خشونت و زور را ضروری نمی‌داند. به اعتقاد او استفاده از زور برای مقابله با شرارت‌های مختلف در جهان غیرقابل اجتناب است، از این رو اسلام استفاده از زور را به‌طور کامل نفی نکرده است. مودودی با نگاه محتاطانه نسبت به استفاده از زور، بر ضرورت تحول معنوی جامعه تأکید دارد، برای اینکه مردم به‌تدریج با ارزش‌های واقعی اسلام آشنا شوند. (عنایت، ۱۳۹۸: ۱۸۵)

مودودی منظور خود از انقلاب را زیرورو شدن کامل ساختارهای اجتماعی نمی‌داند، بلکه می‌گوید:

اسلام به‌دنبال یک انقلاب تندروانه نیست که مانند کمونیست همه‌چیز را به وسیله قدرت نظامی و برخلاف طبیعت انسانی از پایه به‌هم بریزد، مالکیت خصوصی را از بین ببرد و کنترل دولتی را بر تمام مایملک افراد برقرار سازد. بلکه از چنین دگرگونی مخرب اجتناب داشته و طبق طبیعت بشری حرکت می‌کند. (مودودی، ۱۳۶۲: ۷۷)

بنابراین مودودی مقتضیات فطری را لازمه ایجاد حکومت اسلامی می‌داند که از راه انقلاب اسلامی به‌دست می‌آید. انقلاب موردنظر ایشان ظهور جنبشی بر پایه نظریه احیای اسلام و قواعد و ارزش‌های اخلاقی و عملی که با طبیعت همراه باشد؛ انقلابی روحانی بر مبنای تعلیم و تربیت است؛ او خشونت را در مواردی برای اهداف انقلاب اسلامی جایز و لازم می‌داند به اعتقاد ایشان بهترین نمونه حاکمیت اسلامی بعد از پیامبر ﷺ، خلافت راشدین به‌جز خلیفه سوم (به‌دلیل تبدیل خلافت به سلطنت) است. (مودودی، ۱۳۴۸: ۸۹) به اعتقاد وی مسلمانان پس از ایمان به اسلام، باید با جهاد علمی و فرهنگی و انقلاب فکری و اخلاقی در استقرار آن بکوشند. به اعتقاد مودودی:

اگر شرایط قیام فراهم نبود یا تلاش جهت براندازی حکومت باطل بی‌نتیجه بود، در این صورت باید با پذیرش حکومت موجود دست به اصلاحاتی زد. (همو، ۱۳۴۳: ۱۹)

به‌طور کلی به اعتقاد مودودی: «دعوت انقلابی اسلام با تکیه بر عقیده بنیادی در «توحید» عامل جنبش اجتماعی سازنده بود که باعث ایجاد نظام حکومت اسلامی شد». (همو، ۱۳۵۹: ۳۱) فرجام مبارزه با جامعه جاهلی، از بین بردن سلطه انسان بر انسان، تشکیل جامعه توحیدی در همه عالم است. او وظیفه اسلام را اصلاح نظام و فرهنگ و تمدن اسلامی می‌داند. حق آزادی، تحمل اندیشه‌ها، عدم تعصب از دیگر مؤلفه‌های موردقبول مودودی است. (همو، ۱۳۶۵: ۱۸۱)

۲. یوسف قرضاوی

یوسف قرضاوی عالم دینی سنی‌مذهب، اصالتاً مصری است؛ رئیس و مؤسس اتحادیه جهانی علمای مسلمان بود. به اعتقاد قرضاوی:

مطالعه تطبیقی رویکرد متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی □ ۱۷۳

اگر خود حکومت که مرکز قدرت است مرتکب منکری شد، بر مردم لازم است که نیروی لازم را با هدف تغییر حکومت به دست آورند. دستیابی به این هدف از سه راه ممکن است: اول، به دست گرفتن زمام نیروهای مسلح و مقابله با دولت و حکومت، دوم، به دست آوردن مجلس قانون گذاری و یا در دست گرفتن اکثریت و صدور قوانینی علیه حکومت جهت تغییر حکومت، سوم، شورش و انقلاب همگانی مردم علیه دولت همچون انقلاب ایران. (قرضاوی، ۱۳۷۸: ۱۳۷)

بعد از تونس، مصر دومین مقصد انقلاب‌های عربی بود و این برای قرضاوی که اصالتی مصری دارد، یک موقعیت استثنایی بود. او پس از پیروزی انقلاب ژانویه مردم مصر، به این کشور رفت و سخنرانی کرد. قرضاوی مورد احترام اخوان المسلمین مصر بود و هست. تفسیر او از انقلاب‌های صورت گرفته، یک تفسیر اسلامی بود. او در دیدار با گروهی از جوانان، انقلاب‌های منطقه را طبیعی و براساس سنت الهی دانسته و گفت:

لقب «بیداری اسلامی» برای این حوادث و اتفاقات کافی است و چه کسی فکر می‌کرد این اتفاقات رخ دهد. بعد از آنکه لیبرال‌ها و لائیک‌ها حکومت کردند، اینک وقت ایفای نقش اسلام‌گراهاست و اسلام‌گراها باید بدانند که چگونه رهبری جهان را دوباره به دست گیرند. (قرضاوی، ۱۳۶۹: ۲۵)

با این حال، از درون جنبش‌های اسلامی همواره مخاطره انحراف و زوال وجود داشته است. قرضاوی مشروع بودن تکثر حزبی بر یکی از حقوق مردم را نسبت به حاکمان مبتنی می‌کند. وی می‌گوید: مردم حق دارند، بلکه وظیفه دارند حاکم را نصیحت کرده، در صورت مشاهده هرگونه انحراف، امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ زیرا حاکم هم فردی از بین مسلمانان است، به نظر او، در چارچوب اصل فوق و برای عملی کردن آن، انسان معاصر در اثر استمرار خواهد توانست به ساختاری از امر به معروف و نهی از منکر نسبت به حاکم برسد که احتیاجی به درگیری مسلحانه و خون‌ریزی نباشد. این نوع نظارت تنها در سایه «احزاب» یعنی قدرت‌های سیاسی امکان‌پذیر است که قدرت حاکمه به سادگی توان حذف آنها را ندارد. (همان: ۳۳ - ۳۲) از زاویه دیگر، قرضاوی با توجه به تاریخ پر ظلم و ستم حکام اسلامی و استبداد آنها و عدم توانایی مردم برای مقابله با حکام مستبد، لزوم سازمان‌دهی به قاعده نصیحت و انتقاد از حکام، جهت اصلاح انحراف‌های آنها را از راه مسالمت‌آمیز با ضرورت وجود احزاب و گروه‌های سیاسی پیوند می‌دهد. زیرا:

ممکن است حکومت‌ها با استفاده از زورور بر افراد و گروه‌های کوچک غالب آیند اما از میان برداشتن احزاب بزرگ سازمان یافته که در عرصه‌های مختلف زندگی مردم نفوذ

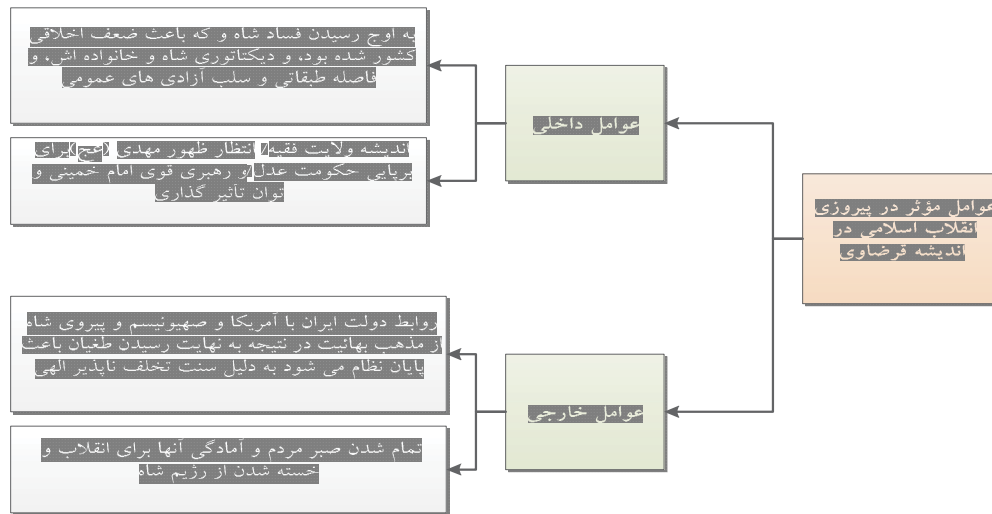
یافته‌اند کار مشکلی است. به عبارت دیگر وجود احزاب و تکرر آنها نوعی سازمان‌دهی و تثبیت اصل امر به معروف و نهی از منکر است متذکر می‌شود که تعدد احزاب به این معنا نیست که هر کس برای خود حزبی درست کند و اهداف شخصی و مصالح عشیره‌ای خود را دنبال کند، بلکه احزابی می‌توانند در جامعه حضور داشته باشند که در خدمت تعالی و رشد مادی و معنوی جامعه بوده و بر مبنای اندیشه‌ها، روش‌ها و سیاست‌هایی استوار باشد که هر یک از احزاب با توجه به دلایل علمی و کارشناسی، آنها را در راستای خدمت به جامعه به کار گیرد. (همو، ۱۳۷۸: ۱۶۲)

به اعتقاد قرضاوی در هیچ زمان و شرایطی اسلام از تشکیل حکومت بی‌نیاز نبوده است، به‌ویژه در دوره معاصر؛ زیرا در دوره کنونی حکومت‌های ایدئولوژیکی چون کمونیستی، سوسیالیستی و لیبرالیستی به وجود آمده‌اند، که اندیشه‌هایی را پذیرفته و تمام ابعاد ساختاری و حکومتی خود (آموزش، فرهنگ، سیاست و اقتصاد) را بر آن اساس قرار داده‌اند، بنابراین لازمه زندگی سالم را برای مسلمانان تشکیل دولت اسلامی می‌داند. (همو، ۱۳۶۹: ۳۴)

وی معتقد است در جهان فعلی اولین نیاز دعوت اسلامی، ایجاد سرزمینی به نام «دارالاسلام» است تا بتوان در آن حکومتی تأسیس کرد که همه عرصه‌های زندگی مادی و معنوی مردم را براساس رسالت فراگیری که اسلام بر دوش دارد به رفاه و سعادت برساند. (همان: ۳۷) وی حکومت اسلامی را با دید جهانی نگریسته و معتقد است این حکومت نژادی، منطقه‌ای یا منحصر در مرزهای جغرافیایی خاصی نیست؛ زیرا بنیاد حکومت در اسلام بر اعتقاد به خدای یگانه، رسالت رسول اکرم ﷺ، قرآن و تشکیل امت واحد است. او معتقد است هر وقت حکومت اسلامی شکل گرفت به دنبال آن زمینه احیای خلافت اسلامی فراهم خواهد آمد که بر سه پایه مبتنی است: ۱. وحدت ممالک اسلامی یا «دار السلام»؛ ۲. قرآن و سنت به‌عنوان تنها مرجع شریعت و قانون‌گذاری؛ ۳. داشتن خلیفه واحد به‌عنوان امام یا خلیفه. (همو، ۱۳۹۰: ۵۵ - ۵۴)

قرضاوی درباره نحوه عملی شدن انتقاد از حکومت می‌فرماید:

امت حق دارد که ابتدا از طریق اهل حل و عقد (مجلس)، حاکم را به پاسخ‌گویی کشانده و امر و نهی‌اش کنند، اگر منحرف شد به راه آورندش، در غیر این صورت عزلش کنند و اگر منکری را سبب شد یا معروفی را ضایع کرد، همه می‌توانند به فراخی یا گشادگی بر او خرده بگیرند، حتی امت حق شورش و انقلاب را دارد، البته اگر حاکم علناً به کفر گرایید. در اسلام همه بالقوه عالم دین‌اند و همه می‌توانند حاکم شوند. (همو، ۱۳۷۸: ۵۹)



نمودار ش ۶. عوامل مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی در اندیشه یوسف قرضاوی (یافته‌ها)

۳. راشد الغنوشی

راشد الغنوشی از مخالفان نظام سیاسی تونس و رهبر اسلام‌گرایان تونس است. الغنوشی بر ایدئولوژی اسلامی به‌عنوان جنبش سیاسی رادیکال علیه نظام حاکم تأکید دارد. (میرعلی، ۱۳۹۷: ۱۶۳) وی با تأثیرپذیری کلامی، عاطفی و رفتاری از انقلاب اسلامی و امام خمینی رحمته‌الله، در کارآمدی توانمندی علمی اسلام برای تشکیل حکومت، تمایل به تغییر حکومت دیکتاتوری «بن علی» در تونس و تضعیف ابرقدرت جهانی داشت (درخشه و زینالی، ۱۳۹۶: ۶۲ - ۳۹) تلاش دارد با تبیین اصل سیاسی بودن اسلام و زنده کردن چرایی غیبت در قالب ولایت فقیه توسط امام خمینی رحمته‌الله، سکولاریسم را در حوزه اندیشه سیاسی اهل سنت نفی کند.

الغنوشی خلافت را بدون شورا و رأی مردم غیرممکن می‌داند. وی شخصیت امام خمینی رحمته‌الله را تحقق بشارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌داند؛ انقلاب اسلامی را هدیه‌ای الهی برای جنبش‌های اسلامی و عمل بر پایه قرآن و سنت و اخوت اسلامی می‌داند. (الغنوشی، ۱۳۹۱: ۶۵ و ۲۲۱)

الغنوشی می‌نویسد:

موضوع آزادی‌های عمومی در دولت اسلامی، از آغاز پیدایش جنبش اسلامی در تونس بزرگ‌ترین دل‌مشغولی من بوده است. این جنبش اسلامی از مرحله دعوت به مبادی اسلام در رویارویی با فرهنگ مسلط وارداتی تا مرحله تعادل وسیع با دغدغه‌های جامعه تونسی و جامعه عرب عموماً از ده سال پیش به این‌سو که مهم‌ترین آنها هنوز

مسئله آزادی است، تحول یافته است؛ زیرا عرضه پاسخ‌های روشن به چالش‌های فراروی اندیشه اسلامی در کشوری مانند تونس که مشارکتی فعال در غرب‌گرایی و فرهنگ داشته، ضرورتی معرفتی بود که برای جنبش اسلامی، گریزی از آن نداشت. (همو، ۱۳۸۱: ۱۷)

الغنوشی در مقاله‌ای تحت عنوان «رهبران نهضت اسلامی معاصر» که در سال ۱۳۵۸ ش در مجله معرفت، ارگان رسمی حرکت اسلامی تونس، منتشر شد، سپس در مجموعه مقالاتش، چاپ پاریس ۱۳۶۳ ش نقل کرد که در این مقاله به ارزیابی کلی سه‌گرایش اصلی در حرکت اسلامی معاصر (جماعت اسلامی پاکستان، اخوان المسلمین و انقلاب اسلامی ایران) پرداخته است، در جمع‌بندی نهایی مشخص می‌شود که روش امام خمینی علیه السلام در به ثمر رسیدن حرکت اسلامی ایران، بر دیگر روش‌ها برتری داشته است؛ راهی جز این، برای پیروزی انقلاب نیست. او در این مقاله ویژگی‌های مشترک هر سه حرکت اسلامی در مصر، پاکستان و ایران را درک فراگیر از اسلام و پیوستگی دین و سیاست می‌داند. (همو، ۱۳۶۹: ۱)

الغنوشی متأثر از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام حکومت مطلوبی را به تصویر می‌کشد که دارای برنامه مشخص اجتماعی است و در برابر مستکبران داخلی و خارجی می‌ایستد:

این‌گونه بود که علاقه به انقلاب ایران شدت گرفت و مطبوعات ما عکس آیت‌الله خمینی علیه السلام را منتشر می‌کرد. روح جدیدی در دروس ما دمیده شد؛ روحی انقلابی که از اتحادیه‌ها حمایت می‌کرد، طرفدار فقرا بود، به رفاه‌طلبان حمله می‌کرد. همچنین به روابط خارجی تونس که ذلیلانه پیرو امپریالیزم بود، یورش می‌آوردیم. از آن به بعد، نقد ما از دولت صرفاً اخلاقی - دینی نبود، بلکه نقد ما از دولت عمیق‌تر شد. مبارزه با دولت، بُعدی فرهنگی یافت؛ اینکه غرب‌زده است، به هویت اسلامی - عربی جامعه بی‌اعتناست؛ ما مدافع این هویت و طرفدار اسلام به مثابه برنامه مشخص اجتماعی بودیم. حالا روزبه‌روز بر ابعاد اجتماعی افزوده می‌شد. حکومت در صف مستکبران خارجی و داخلی قرار دارد و ما در جبهه مقابل. حکومت، دیکتاتوری است و ما همراه دمکراسی. انقلاب ایران، درست در لحظه مناسب رسیده بود تا ما را به ابزارهای تحلیلی اسلامی مبارزات مجهز سازد؛ کاری که تفکر سنتی ما نتوانسته بود انجام دهد. (همان)

بنابراین الغنوشی خواستار برپایی دولت اسلامی و احیای هویت و تمدن امت اسلامی است. ایشان در روش مبارزه، بر اقدامات تهاجمی حرکت‌های اسلامی طبق تفسیر جدید از اسلام، براساس شرایط زمانی

مطالعه تطبیقی رویکرد متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی □ ۱۷۷

و مکانی و پرهیز متفکران اسلام و تونس از محدود کردن اندیشه اسلامی تأکید دارد. او مشکل امروز عقب‌ماندگی جوامع اسلامی را دور ماندن از اسلام حقیقی می‌داند. (همو، ۱۳۹۱: ۶۵ و ۲۲۱)

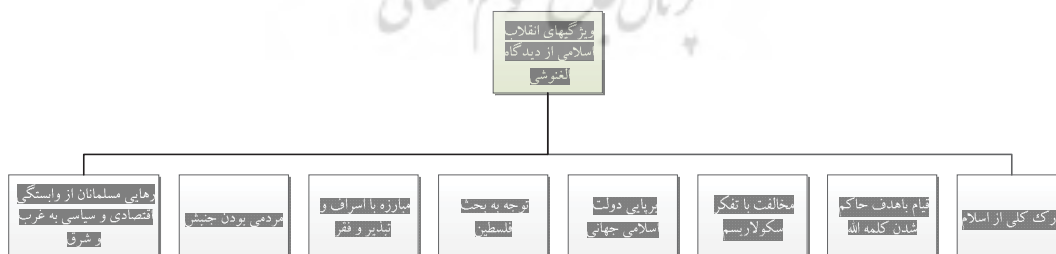
غنوشی بر انتخاب مذاکره و گفت‌وگو (روش مسالمت‌آمیز) به‌عنوان راهی برای تحقق اهداف تأکید می‌کند و از شیوه‌های خشونت‌آمیز اجتناب می‌ورزید. وی به‌دنبال استفاده بعضی از اعضای این جنبش از راه‌حل خشونت، به دوستان و همراهان خود هشدار می‌داد که اگر کسی در مقابل نظام به فکر استفاده از سلاح بیفتد، باید نهضت را ترک کند. دلیل این تذکر این بود که دولت به‌دنبال بهانه‌جویی برای سرکوب نهضت است. (مرکز الاستشارات والبحوث، ۱۳۸۸: ۱۴۶ - ۴۵)

وی درباره استفاده از خشونت در انقلاب‌ها می‌گوید:

هرکس که مورد حمله و تجاوز قرار گیرد، چه عاقل و چه کم‌خرد، باید از خود دفاع کند. بنابراین، دموکراسی با دفاع از خود در برابر حکومت مستبد و خشونت‌پیشه منافاتی ندارد. به این ترتیب، وقتی می‌گوییم جنبش به خشونت دست نمی‌برد، به این معنا نیست که هرکس در گوشه‌وکنار جهان از خود دفاع می‌کند، مجرم است؛ بلکه جنبش با ایجاد تغییر خشونت‌بار مخالف است. البته ما عمل خشونت‌بار را ناقض دموکراسی نمی‌دانیم؛ زیرا هیچ دموکراسی‌ای در جهان نیست که به فکر توسعه سلاح نیفتاده باشد. (همان: ۱۴۸ - ۱۴۷)

وی می‌گوید:

خط مشی امام خمینی پس از قرآن، توانست با زنده کردن فلسفه غیبت امام زمان علیه السلام در قالب ولایت فقیه، شیعه را به جایگاه خود در تاریخ اسلام بازگرداند. (الغنوشی، ۱۳۶۹: ۲۱۴)



نمودار ش ۷. ویژگی‌های انقلاب اسلامی از نظر الغنوشی (الغنوشی، ۱۳۹۱: ۲۲۱ و ۶۵)

یافته‌های پژوهش

۱. رویکرد متفکران مسلمان شیعه نسبت به مقوله انقلاب اسلامی

جدول ش ۱: دیدگاه متفکران شیعه (یافته‌ها)

متفکران بعد از انقلاب اسلامی					
متفکران اسلامی	ماهیت	روش	روند	فرجام	منابع
سید روح‌الله موسوی خمینی (ره)	فرهنگی، دینی، (نهفت الهی)	ابدولولوژیک	حرکت از انقلاب سیاسی به فرهنگی	تکاملی (ابجد حکومت جهانی)	دین، فقه شیعه، قرآن، سنت، جهاد دینی علیه طاغوت
سید علی خامنه‌ای	فرهنگی، اخلاقی، اعتقادی	اغلب موارد بدون زورآزمایی و خشونت	ضرورت تاریخی و طبیعی، حرکت صدر اسلام	تکاملی، انقلاب مهدی (صحیح) فطرت انسان حرکت به سوی کمال	قواعد و سنت‌های الهی، فقه شیعه، الگوی بخت پیامبر و رسالت آنها
مرتضی مطهری	دینی، اجتماعی (پذیرش همه‌جانبه)	ابدولولوژیک	تبدیل اعتراض اصلاحی به انقلابی	خطی تکاملی، انقلاب روحی مقدمه انقلاب اجتماعی، تکامل انقلاب‌ها تا مدینه فاضله موعود	فقه شیعه، آموزه‌های تحرکبخش دینی، اسطوره بنیادین تشیع، حضرت امام حسین (ع)

۲. رویکرد متفکران مسلمان سنی در خصوص مقوله انقلاب اسلامی

متفکران سنی					
متفکران اسلامی	ماهیت	روش	روند	فرجام	منابع
مودودی	دینی، فرهنگی	نرم و ابدولولوژیک (با جهاد علمی و فرهنگی)، در صورت لزوم خشونت	انقلاب فکری و اخلاقی	خطی و تکاملی (تغییر بنیان‌های اخلاقی بنامه و تشکیل دولت اسلامی)	قرآن، سنت
یوسف قرضاوی	دینی فرهنگی	(اعتدال‌گرا) نرم و مسالمت، در صورت لزوم خشونت آمیز	اصلاحی، در مرحله‌ای هم حمایت از انقلاب‌های مردمی	بازگشت به نظام اسلامی، احیای اندیشه‌ی اسلامی (ترمیدور)	طبیعت، قرآن، سنت الهی
راشد الغنوشی	دینی، فرهنگی، سیاسی	اقدامات تهاجمی، خشونت آمیز	انقلابی	برپایی دولت اسلامی، احیای هویت و تمدن اسلامی	قرآن، سنت، انقلاب اسلامی، آیات و روایات مربوط به شورا و رأی مردم

جدول ش ۲: دیدگاه متفکران اهل سنت (یافته‌ها)

رویکردهای مشابه متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت	
موارد	توضیح
غایت انقلاب:	ایده تشکیل حکومت اسلامی جهانی
ماهیت انقلاب:	فرهنگی، دین‌محور با الگوگیری از شیوه پیامبر (ص) و صدر اسلام
عناصر مؤثر در پیروزی انقلاب:	آگاهی، اراده، مردم، جهاد، اسلام، آزادی، شهادت، عدالت اجتماعی، اتحاد
محوراندیشه:	بازگشت به اسلام، مبارزه با طاغوت و دفاع از مظلوم
مهم‌ترین ارکان مؤثر در پیروزی انقلاب:	ابدئولوژی، سازمان‌دهی، رهبری
مباحث مورد تأکید:	قرآن و سنت، انقلاب و تغییر امت به‌عنوان رسالت اجتماعی پیامبر (ص)

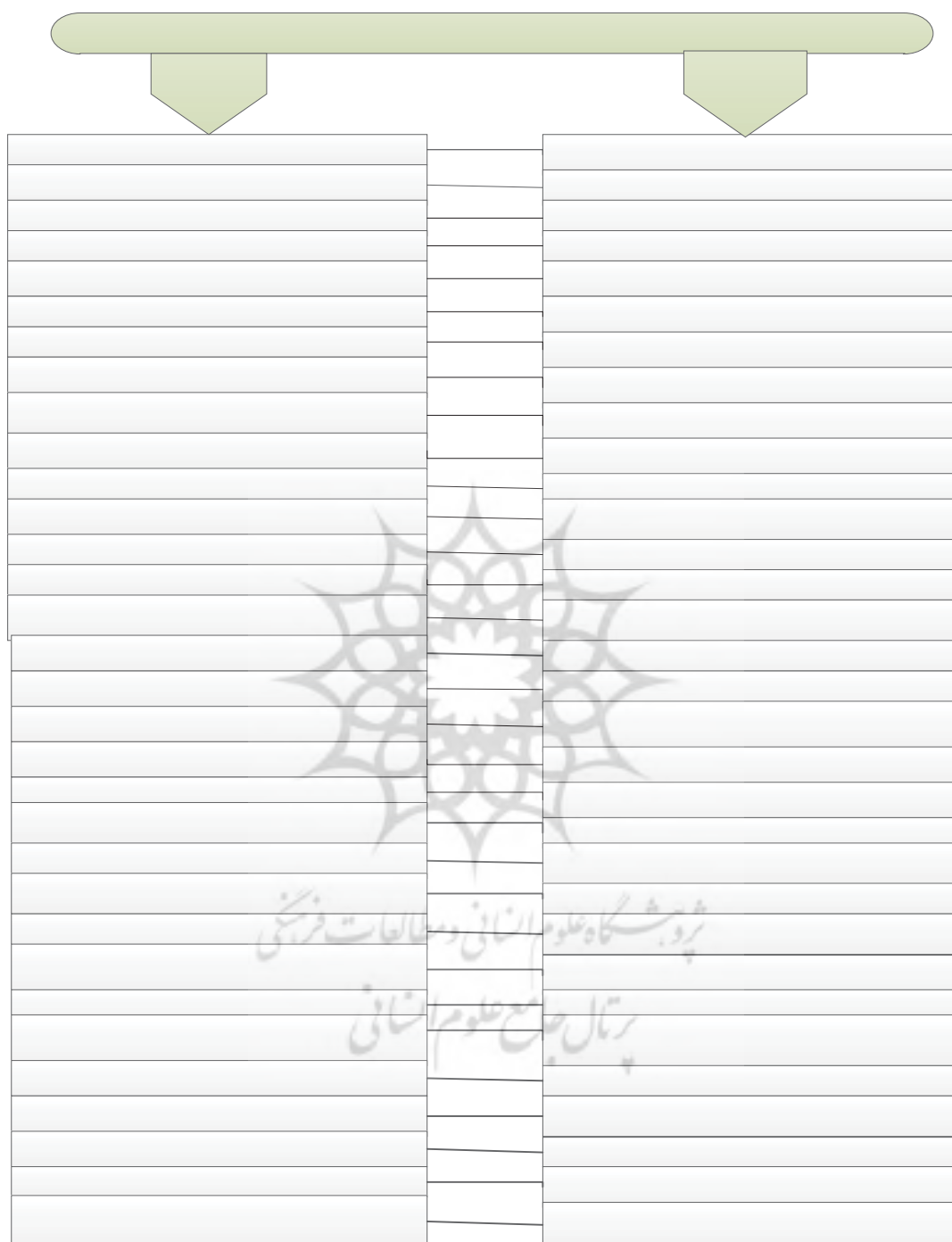
جدول ۳. رویکردهای مشابه متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی.

(یافته‌ها)

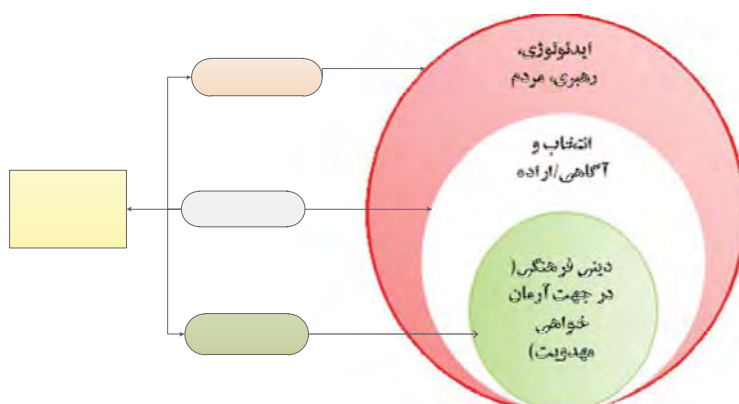


نمودار ش ۸. موارد اجماع بین متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی

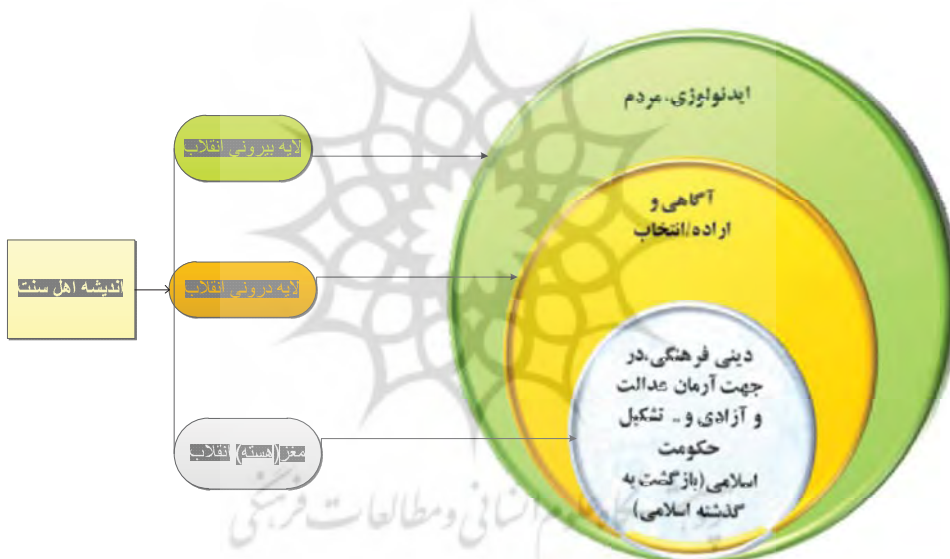
(یافته‌ها)



شکل ۹. رویکرد متفاوت متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی
(یافته‌ها)



نمودار ش ۱۰. لایه بیرونی و درونی، هسته انقلاب در اندیشه شیعه (یافته‌ها)



نمودار ش ۱۱. لایه بیرونی و درونی، هسته انقلاب در اندیشه اهل سنت (یافته‌ها)

نتیجه

نتایج در راستای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که رویکرد متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی چیست، حاکی از آن است که از دیدگاه متفکران شیعه انقلاب اسلامی، انقلابی فرهنگی که ناشی از یک تحول درونی است، نسبت به پدیده انقلاب خوش‌بین هستند و حتی در برخی موارد برای بهبود وضع موجود وقوع آن را یک ضرورت می‌دانند. در مقابل متفکران اهل سنت انقلاب را

یک تحول روحانی و معنوی می‌دانند؛ بیشتر طرفدار اصلاحات هستند؛ معتقدند که انقلاب باعث هرج و مرج است و تا آنجایی که ممکن است باید مردم با حکومت سازش داشته باشند.

از دیدگاه اندیشمندان شیعه، ماهیت انقلاب بیشتر فرهنگی و اعتقادی است و روش ایدئولوژیک، نرم و مسالمت‌آمیز است. روند انقلاب نیز ادامه اسلام انقلابی پیامبر ﷺ و یک جنبش اصلاحی که از انقلاب سیاسی به فرهنگی بوده است. فرجام انقلاب خط تکاملی که طی سه مرحله تشکیل حکومت ملی، منطقه‌ای و جهانی است. تشکیل حکومت واحد جهانی، فرجام انقلاب اسلامی است که پیروزی حق بر باطل و پیروزی انقلاب مهدی موعود ﷺ است.

در رابطه با علل انقلاب، آموزه‌های تحریک‌بخش اسلام، ظلم‌ستیزی و معنویت‌خواهی با الگوگیری از قیام امام حسین ﷺ و مکتب تشیع زمینه‌ساز و عامل اصلی خیزش انقلابی مردم است.

از دیدگاه متفکرین اهل سنت، ماهیت انقلاب دینی و فکری و اخلاقی است و روش مسالمت‌آمیز بوده و روند اصلاحی همراه با گذشته‌نگری یا احیاگرایی اسلامی است. تشکیل نظام خلافت اسلامی و نوعی ترمیدور و بازگشت به نظام عادلانه و همراه با آزادی است.

علل پیروزی انقلاب اسلامی، برتری قدرت علمای شیعه نسبت به علمای سنی به لحاظ استقلال مالی مراجع از دولت و قدرت معنوی تشیع (مکتب امام حسین)، به عبارتی عوامل داخلی چون اوج فساد شاه و ضعف اخلاقی کشور، دیکتاتوری و فاصله طبقاتی و سلب آزادی، اندیشه ولایت فقیه، انتظار ظهور، رهبری قوی امام خمینی ﷺ و توان تأثیرگذاری ایشان؛ عوامل خارجی چون روابط دولت ایران با آمریکا و صهیونیسم و پیروی شاه از مذهب بهائیت در نتیجه به نهایت رسیدن طغیان به دلیل سنت تخلف‌ناپذیر الهی، اتمام صبر مردم و آمادگی برای انقلاب است.

در اندیشه متفکران شیعه منابع انقلاب اسلامی، قرآن و سنت، فقه شیعه و اسطوره‌های بنیادین تشیع، قیام امام حسین ﷺ و رسالت مکتبی پیامبر ﷺ است. در اندیشه متفکرین اهل سنت منابع انقلاب، قرآن و سنت، حدیث، خلفای راشدین و مردم، جهاد و شورای جبری است.

بحث لایه‌های انقلاب نشان داد که یکی از عوامل پیروزی شیعه، توجه زیاد به مقوله‌های عدل و امامت براساس نظریه مذهب و نگاه پویا به جریان انقلاب است.

به‌طور کلی رویکرد اندیشمندان شیعه و سنی نسبت به مقوله انقلاب اسلامی مثبت است و آن را یک ضرورت می‌دانند که ادامه رسالت پیامبر ﷺ و پیروزی مکتب حق بر باطل است. معتقد به ادامه مبارزات تا زمان تشکیل امت واحده جهانی هستند. از طرفی اندیشمندان معاصر اهل سنت نسبت به اندیشمندان گذشته سنی استقبال بهتری از وقوع انقلاب نسبت به اصلاحات دارند. بنابراین با توجه به پژوهش حاضر،

مطالعه تطبیقی رویکرد متفکران مسلمان شیعه و اهل سنت نسبت به مقوله انقلاب اسلامی □ ۱۸۳

در بررسی نگاه متفکران شیعه و سنی نسبت به مقوله انقلاب اسلامی، می‌توان گفت که همکاری و اتحاد شیعه و سنی در راستای اهداف بیانیه گام دوم انقلاب می‌تواند آنان را به هدف مشترک، که همان تشکیل امت واحد جهانی براساس عدل است برساند.

منابع و مأخذ

۱. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، *انقلابی متمایز (جستارهایی در انقلاب اسلامی ایران)*، قم، بوستان کتاب، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی، دفتر حفظ و نشر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: Khameni.ir.
۳. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، ۲۲ جلدی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۹۴، *ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی: تقریر بیانات امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. درخشه، جلال و صادق زینالی، ۱۳۹۶، «صدور اندیشه انقلاب: تأثیر انقلاب اسلامی و امام خمینی بر مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی راشد الغنوشی»، *آفاق امنیت*، ش ۳۶، ص ۶۲-۳۹.
۶. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *نعت‌نامه دهخدا*، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران.
۷. زینعلی، غلامحسین، ۱۳۸۶، «امامت و امامان در صحاح و برخی منابع معتبر اهل سنت»، *الهیات و حقوق*، ش ۲۴، ص ۱۵۴-۱۲۹.
۸. صابریان، علیرضا و روزیتا خواجه‌پور، ۱۳۹۶، «ولایت فقیه از دیدگاه شیعه و سنی»، *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، دوره ۳، ش ۱، ص ۲۵-۱۵.
۹. عمید زنجانی، ۱۳۸۴، *انقلاب اسلامی ایران*، تهران، دفتر نشر معارف.
۱۰. عنایت، حمید، ۱۳۹۸، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی.
۱۱. الغنوشی، راشد، ۱۳۶۹، «امام خمینی و رهبری نهضت‌های اسلامی معاصر»، *دو ماهنامه کیهان اندیشه*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، ش ۲۳.
۱۲. الغنوشی، راشد، ۱۳۹۱، *انقلاب اسلامی و امام خمینی، مسئله فلسطین و طرح صهیونیسم، حاکمیت علما یا روشنفکران*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۳. قرضاوی، یوسف، ۱۳۶۹، *اولویت‌های نهضت اسلامی در مرحله بعدی*، دوحه، دانشگاه قطر.
۱۴. قرضاوی، یوسف، ۱۳۷۸، *از فقه دولت در اسلام (وضعیت، ویژگی‌ها، ماهیت و جایگاه آن، از دموکراسی، زنان و غیرمسلمانان)*، قاهره، دارالشروق.

۱۵. قیصری، نوراله و ناصر غلامی علم، ۱۳۸۹، «تفاوت تبیین حکومت در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام و ابوالاعلی مودودی»، *پژوهشنامه متین*، ش ۴۷، ص ۷۶ - ۶۱.
۱۶. کشاورز شکری، عباس؛ زاهد غفاری هنجین و معصومه شیخی، ۱۳۹۳، «مدل انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام»، *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال ۳، ش ۱۰، ص ۶۹ - ۵۱.
۱۷. متقی زاده، احمد، ۱۳۸۲، *انقلاب اسلامی ایران و عوامل وقوع آن*، تهران، انجمن قلم ایران.
۱۸. محمدی، میثم، ۱۳۸۳، «مسئله ماهیت و مسئولیت روشنفکری در ایران (بر اساس بازخوانی آرای دکتر علی شریعتی)»، *آیین*، ش ۲.
۱۹. مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۳۸۸، *رویارویی نظام حکومتی و احزاب سیاسی در تونس*، ترجمه: ابوالفضل تقی پور و صغری روستایی، تهران، اندیشه سازان نور.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران، صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۴، *بررسی اجمالی نهضت های صدساله اخیر*، تهران، صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۵، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران، صدرا.
۲۳. مودودی، ابوالاعلی، ۱۳۴۳، *مبانی اسلام و فلسفه احکام*، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، قم، دارالفکر.
۲۴. مودودی، ابوالاعلی، ۱۳۴۸، *ایدئولوژی اسلامی یا مرزهای عقیده*، ترجمه سید جواد هشترودی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۵. مودودی، ابوالاعلی، ۱۳۵۹، *نظام سیاسی در اسلام*، ترجمه علی رفیعی، قم، دارالعلم.
۲۶. مودودی، ابوالاعلی، ۱۳۶۲، *برنامه انقلاب اسلامی*، ترجمه خلیل احمد حامدی، لاهور، بی نا.
۲۷. مودودی، ابوالاعلی، ۱۳۶۵، *تفکر سیاسی در صدر اسلام از دیدگاه اهل سنت*، ترجمه نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۸. میرعلی، محمدعلی، ۱۳۹۷، «اندیشه سیاسی راشد الغنوشی و تأثیر آن بر تحولات سیاسی تونس»، *سیاست متعالیه*، سال ۶، ش ۲۲، ص ۱۶۸ - ۱۴۹.
۲۹. هراتی، محمدجواد و محمدرحیم عیوضی، ۱۳۹۴، *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، قم، دفتر نشر معارف.

30. John L. Esposito, 2014, "Sunni Islam", *The Oxford Dictionary of Islam*, Oxford University Press.

31. Taylor, Stan, 1984, *Social Science and Revolution*, London, Macmillan, Press,

32. Zagorin, Perez, 1973, "Theories of Revolution in Contemporary Historiography", *Political Science Quarterly*, p. 88.